

## روز جهانی زبان عربی مبارک باد

به مناسبت ۱۸ دسامبر روز جهانی زبان عربی

عبدالنبی قییم

بدون شک زبان عربی یکی از غنی ترین و پرمایه ترین و زیباترین زبان های زنده دنیاست. این حقیقت را فقط کسانی می دانند که با زبان عربی سروکار داشته باشند و از اقیانوس بیکران آن جرعه ای نوشیده باشند. بیهوده نیست که استاد سخن و بزرگ ترین شاعر پارسی گوی حافظ شیرازی زبان عربی را هنر دانسته و می گوید(۱):

اگرچه عرض هنر پیش یار بی ادبیست  
زبان خموش و دهان پر از عربی است

و باز بیهوده نیست که شاعر بزرگ مولوی می گوید(۲):

پارسی گوی گرچه تازی خوشتر است  
عشق را خود صد زبان دیگرست

و باز به همین دلیل است که دکتر محمد معین زبان عربی را زبانی بسیار غنی و پرمایه و وسیع می داند(۳). و به همین دلیل است که طالبوف می نویسد " زبان فارسی حالات حالیه خود را از ترکیب الفاظ عربی پیدا کرد(۴). و باز به همین دلیل است که ابوریحان بیرونی می نویسد: زیبایی های زبان عربی در خون کسانی که آن را فرا گرفتند با آنکه زبان مادری خویش را بسیار ارج می نهادند نفوذ کرده است(۵). ریچارد فرای از قول بیرونی می نویسد: او ناگزیر بود هم عربی و هم فارسی بیاموزد، زیرا زبان مادری او خوارزمی توانایی بیان علوم جهان را نداشت. سپس می افزاید: بیرونی برتر می داند به عربی او را قدح کنند تا به فارسی مدح(۶).

شاید بسیاری از ناطقین به زبان عربی از غنا، وسعت و توانایی این زبان بی خبر باشند و ندانند که این زبان تا چه اندازه غنی است. این ها فقط زمانی به قدرت و توانایی این زبان پی خواهند برد که مطالعه ای درباره آن انجام دهند و یا در مقام مقایسه این زبان با زبان های دیگر برآیند. علی رغم اینکه زبان مادری نگارنده زبان عربی است و بنده با این زبان بزرگ شده ام و علاقه به این زبان و تسلط بر آن - در حد گفتار و خواندن - سبب شد تا به تألیف فرهنگ عربی - فارسی روی آورم و بیست سال از عمرم را صرف تألیف سه فرهنگ بکنم، با وجود این باید به این حقیقت

اذعان کنم که حتی به هنگامی که اقدام به تألیف فرهنگ کردم به غنا، وسعت و توانایی و زیبایی های این زبان پی نبرده بودم. فقط در جریان کار و در جریان تألیف فرهنگ بود که به دقت معانی، برش های ظریف معنایی و غنای این زبان پی بردم. به هنگامی که درصدد یافتن معادل دقیق فارسی برای بسیاری کلمات عربی بودم و در این تلاش خود چندان موفق نبودم، چون در فارسی معادل دقیق برای این کلمات وجود ندارد. بعد از بیست سال فرهنگ نویسی با ضرس قاطع می گویم که این زبان اگر کامل ترین زبان زنده دنیا نباشد، بدون شک یکی از معدود زبان های غنی و کامل دنیاست.

برای اینکه این حقیقت را بهتر بازگو کرده باشم گوشه ای از تجربه خود را در فرهنگ نویسی بیان می کنم. من هیچگاه در زبان فارسی نتوانستم معادل های دقیقی برای برخی کلمات عربی پیدا کنم. به عنوان مثال واژه "حلیم" اصلاً در فارسی معادل ندارد. آنچه در فرهنگ نوشتیم نزدیک ترین معنی به این واژه در زبان فارسی است و شاید فقط بخشی از این کلمه را پوشش دهد. حلیم نه به معنی بردبار است و نه به معنی شکیبیا و نه به معنی پرحوصله و تودار، حتی به معنی خویشتنندار هم نیست. هر چند یک فرد حلیم هم بردبار است و هم شکیبیاست و هم پرحوصله و تودار و هم خویشتنندار. اما حلیم صفتی است بالاتر از این ها حلیم در عربی به معنی ذو حلم است یعنی کسی که صبر و حوصله دارد و زود عصبانی نمی شود و تودار است و کارهای او سنجیده و عقلایی است و از روی حلم عمل می کند.

یا "صمت" و "سکوت" در زبان فارسی معادلی یکسان و همانند دارند و برای هر دو باید نوشت: سکوت، خاموشی، بی حرفی، بی صدایی. اما معنی این دو در زبان عربی با هم تفاوت دارد و هر کدام حالتی خاص را بیان می کند و نمی توان یکی را به جای دیگری بکار برد. معنی این واژه ها در بطن آن ها نهفته است. چون "صمت: يتولد من الأدب والحكمة"، صمت، سکوت و خاموشی است که ناشی از ادب و حکمت است، اما "سکوت: يتولد من الخوف"، سکوت ناشی از ترس است.

یا "قعود" و "جلوس" معادل هر دو در فارسی به معنی نشستن است، حال آنکه در عربی قعود برای نشستن معمولی و یا نشستن روی زمین و امثالهم است، اما جلوس برای نشستن بر اشیاء مرتفع مثل اریکه قدرت و یا تخت سلطنت است.

اگر بخواهم تک تک این کلمات را ذکر کنم نیاز به یک کتاب حجیم است که زیبایی‌ها، ظرافت معنایی، دقت معانی و حالات مختلف و افعال مختلف را ذکر کند. شاید بهترین کسی که در این زمینه حق مطلب را ادا کرده باشد و کتاب او بعد از گذشت بیش از هزار سال همچنان بهترین کتاب در این زمینه است ابومنصور عبدالملک بن محمد ثعالبی باشد که در قرن چهارم هجری می زیست و کتاب "سرّ الأدب فی مجاری کلام العرب" را تألیف کرده است. خواندن این کتاب را به علاقه مندان توصیه می کنم تا بیشتر و بهتر با غنا، وسعت و توانایی و زیبایی های زبان عربی آشنا شوند.

منابع:

- ۱- حافظ شیرازی، "دیوان حافظ"، غزل شماره ۶۴
- ۲- مولوی، "مثنوی معنوی"، دفتر سوم، بخش ۱۸۴
- ۳- محمد معین، "مزدیسنا و ادب پارسی"، ص ۴۲۹
- ۴- عبدالرحیم طالبوف،:مسالك المحسنين"، ص ۲۸۱
- ۵- ریچارد فرای، "عصر زرین فرهنگ ایران"، ص ۲۴۹
- ۶- همان